رکوردهای نمایشگاه کتاب تهران

گروه ادب و هنر | دیروز آخرین روز نمایشگاه کتاب تهران بود و آمارها نشان می‌دهد امسال استقبال از نمایشگاه خوب بوده است. آخرین آمارها می‌گوید که فروش این نمایشگاه از مرز ۶۰ میلیارد تومان گذشته و البته این آمار مربوط است به سیستم‌های بانک صادرات و خریدهای نقدی محاسبه نشده. این امر نشان می‌دهد که فروش نمایشگاه کتاب به نسبت پارسال ۷۰ تا ۸۰ درصد رشد داشته است. روزهای ابتدایی نمایشگاه میزان بازدیدکننده به نسبت سال قبل دوبرابر بوده است. روز چهارشنبه میزان فروش نمایشگاه در تمام طول تاریخ برگزاری نمایشگاه رکورد زده است. با این اوصاف انگار وضع کتابخوانی در کشور دارد بهتر و بسامان‌تر می‌شود و مردم کتاب‌خوان‌تر.

یادداشت

یادداشتی درباره فیلم «بین‌ستاره‌ای» به بهانه اکران در سینما تک قلهک

جوهره زمان

امیرعلی نصیری
مدرس دانشگاه

زمان چیست؟ نسبیت زمان به چه معنی است؟ آیا «بین‌ستاره‌ای» یا Interstellar می‌خواهد جوهره زمان را به مثابه بُعد چهارم به بازی بگیرد یا دستاوردهای فنی جلوه‌های تصویری را به رخ بکشد یا بداعتی در فیلم‌های فضایی باب کند و دانشمندان و فضانوردان را دلبسته خانواده و عاشق‌پیشه نشان دهد؟ یا اینکه می‌خواهد تصویر جدیدی از گرانش و «فضا ـ زمان» (space time) ارائه کند؟ همان مدل ریاضی که زمان و فضا را به صورت درهم‌تنیده و به‌عنوان یک کمیت پیوسته با یکدیگر ترکیب می‌کند. جهان، سه بُعد مکانی و یک بعد زمانی مستقل از هم دارد. اما در جهان «بین‌ستاره‌ای» این چهار بُعد درهم ادغام می‌شوند و یک محیط پیوسته چهاربعدیَ را ایجاد می‌کنند. در باب صحت علمی فیلم حرف و حدیث فراوان است؛ درست مانند اتفاقی که در زمان نمایش «جاذبه» افتاد. همین بس که کیپ تورن (فیزیکدان نظری و استاد دانشگاه کَلتک) مشاور علمی فیلم و یکی از مدیران تولید تلاش کرد تا تصاویر کرم‌چاله و نسبیَت تا بیشترین حد ممکن دقیق باشد.

او با کارگردان درباره تصاویر کرم‌چاله و سیاه‌چاله بحث و سپس روی معادلاتی کار کردند که به آنها اجازه می‌داد مسیر پرتوهای نوری در نزدیکی کرم‌چاله یا سیاه‌چاله را پیش‌بینی کنند. پس آنچه روی پرده می‌بینیم بر پایه معادلات نسبیت عام اینشتین است. دو فضانورد فیلم را به خاطر بیاورید که در وسط ناکجاآباد و در زمانه اوج دستاوردهای فنی پیشرفته، برای دستیابی به آمال یک دانشمند دیگر قابیل‌وار با مشت و لگد به جان هم می‌افتند. به همین خاطر است که کشاورزان روی زمین به سرنوشت او در تورات دچار شده‌اند؛ آنجا که پروردگار به قابیل می‌فرماید «هرچه در زمین بکاری، دیگر زمین به تو محصولی نخواهد داد» (پیدایش؛ ۴: ۱۰-۱۶).

تدوین موازی این صحنه با جدل میان خواهر و برادر روی زمین، تاکیدی است بر غرایز انسانی که از ازل تا ابد همراه او بوده است. در باب مسائل فنی فیلم نمی‌خواهم صحبتی کنم؛ زیرا تسلط کریستوفر نولان ـ که والی فیستر فیلمبردار او را «استاد» خطاب می‌کند ـ بر ابزار سینما بر من محرز شده است. علاقه او به نگاتیو در این فیلم، با فیلمبرداری هفتاد میلیمتری در صحنه‌های خارجی پیوند خورده و تصاویر چشم‌نوازی را خلق کرده که در ترکیب با موسیقی حماسی تجربه بی‌نظیری را برای تماشاچیان به ارمغان می‌آورد. تیم بازیگری فیلم فوق‌العاده و غافلگیرکننده است؛ از یک طرف، ماتیو مک‌کوناهی که به تدریج از روی جلد مجله‌ها به اعماق ذهن تماشاچیان سینما آمد و به نظر می‌رسد هنوز نتوانسته کاهش‌وزنی را که سر صحنه «باشگاه خریداران دالاس» تجربه کرده، جبران کند (همین اتفاق برای دی‌کاپریو در همراهی با اسکورسیزی افتاد و جالب آنکه هر دو با نولان همکاری داشته‌اند). از طرف دیگر، جسیکا چیستین که اولین‌بار در قالب پیام ویدئویی به شکلی هولناک ظاهر می‌شود و بازی ویرانگرش به این زودی‌ها از ذهن‌مان پاک نخواهد شد. گویا هنوز اثر بازی در «خشن‌ترین سال» بر روح و جانش مانده است. بیشتر فیلم‌ها در سالن سینما تمام می‌شوند، برخی فیلم‌ها بعد از تماشا در خاطر می‌مانند و فیلم‌های معدودی ذهن را درگیر می‌کنند؛ «بین ستاره‌ای» جزء دسته آخر است. تماشای «بین‌ستاره‌ای» تجربه بصری غریبی برای من بود. نمی‌دانم چه بر سر تماشاچیانی آمده که آن را در فرمت آیمکس دیده‌اند. یک‌بار تماشای این فیلم، بسیار کم است. گمان می‌کنم (و امیدوارم) ارزش‌های «بین‌ستاره‌ای» همچون «ادیسه فضایی» ساخته کوبریک فقید در بلندمدت آشکار شود.

سینما

رئیس سازمان سینمایی:

با خیال راحت علیه ما بنویسید

گروه ادب و هنر | حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی روزهای پرتنشی را پشت‌سر گذاشته تا بالاخره فیلم «قصه‌ها» ساخته رخشان بنی‌اعتماد را اکران کرده است. او به شب فیلمنامه‌نویسان خانه سینما رفته و اعتراف کرده هنوز نتوانسته آن‌گونه که شایسته است، اقدامی جدی برای فیلمنامه‌نویسان انجام دهد. بعد هم خطاب به منتقدان سازمان سینمایی هم گفته: «با خیال راحت علیه ما مقاله بنویسید؛ من هرگز مخالف این نیستم که شما درباره ما مقالات انتقادی بنویسید. این مقالات حتما توجه‌ها را جلب خواهد کرد و کمک خواهد کرد که از روزمرگی‌ها بیرون بیاییم.» بعد هم از رضا میرکریمی تشکر کرده که مدیرکلی خانه سینما را پذیرفته است. ایوبی در این روزها تمام تلاشش را کرده تا فیلم‌هایی که تا به حال نمی‌توانستند در سینماها اکران شود بر پرده سینما ظاهر شود. زمزمه اکران فیلم‌هایی مثل «خانه دختر» و «نهنگ عنبر» به گوش می‌رسد.

کافه نقاش

افتتاح جشن عکاسان به دست هاشم‌پور

گروه ادب و هنر | جمشید هاشم‌پور زمانی سوپراستار سینمای ایران بود و فیلم‌هایی که بازی می‌کرد، فروش خوبی داشت و اصلا حضورش در یک فیلم ضامن فروش خوب فیلم بود و تا ماه‌ها بر پرده سینماها می‌ماند. قهرمانی که همیشه تماشاگران را به هیجان می‌آورد. این روزها این ستاره سینمای ایران کمتر بازی می‌کند و گزیده‌کار شده ولی این روزها نخستین جشن عکاسان سینمای ایران را افتتاح کرده است. این جشن در باغ‌موزه قصر برپا شده و بخش ویژه این جشن هم به عکس‌های فیلم محمد(ص) ساخته مجید مجیدی اختصاص داشته است. هاشم‌پور در این مراسم گفت: «عکس‌های این نمایشگاه در یک فرم خاص و قشنگ و زنده هستند. به نظر من در این عرصه از خارج چیزی کم نداریم. آدم این عکس‌ها را که می‌بیند، تشویق می‌شود که بیشتر در خدمت عکس و دوربین باشد. من خودم به عکس اهمیت زیادی می‌دهم و معتقدم قبل از اینکه مردم کار را ببینند عکس را می‌بینند. می‌توان به وسیله این عکس‌ها کار را آنگونه که هست، ارائه داد.»

گزارش اول

اظهارنظر علی مرادخانی درباره ارکستر ملی :

با طرح ادغام ارکسترها مخالفت کردم

گروه ادب و هنر | علی مرادخانی، معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی آب پاکی را ریخته روی دست همه و گفته مساله ادغام ارکستر سمفونی تهران و ارکستر ملی صحت ندارد. البته علی رهبری هنگامی که قبول کرد رهبری ارکستر ملی را برعهده گیرد اعلام کرد که این دو ارکستر را با هم تلفیق کرده و سرجمع ارکستری با نام «ارکستر سمفونی ملی ایران» درست کرده است.

بعد از این مساله بود که انتقادها از این مساله شروع شد و یکی از مهم‌ترین منتقدانش هم رهبر سابق ارکستر ملی و موسس آن یعنی فرهاد فخرالدینی بود. در خلال همین ماجراها بود که حاشیه‌های این ارکستر زیاد شد و نوازنده‌هایی به دلیل مشکلات دستمزد از آن جدا شدند و عطایش را به لقایش بخشیدند و از ارکستر جدا شدند؛ مساله‌ای که واکنش بنیاد رودکی را در پی داشت و برای این مساله توضیح داد.

اما این‌طور که از ماجرا بر می‌آید وضعیت ارکستر مرادخانی را راضی نکرده که گفته: «ما از این پس یک ارکستر موسیقی ملی ایران و یک ارکستر سمفونیک خواهیم داشت که هرکدام براساس سازوکاری که برای آنها تعریف شده به کار خود ادامه می‌دهند.» او می‌گوید از همان اول با چنین طرحی مخالف بوده و تاکید کرده هر کدام از دو مجموعه‌های موسیقایی یادشده به صورت مجزا به کار خود ادامه می‌دهند. البته مشخص نیست

اگر علی مرادخانی با چنین طرحی مخالف بوده در این مدتی که مساله ادغام مطرح بوده، چرا موضع‌گیری صورت نگرفته است. با این اوصاف باید منتظر خبرهای دیگری از این دو ارکستر و ماجراهای آن در آینده باشیم.

گفت‌وگوی فرهیختگان با گروس عبدالملکیان شاعر مجموعه شعر «پذیرفتن»

عدول در پذیرفتن

عکس: سیدوحید حسینی | فرهیختگان

محسن بوالحسنی

آخرین کتاب گروس عبدالملکیان شاعر جوان با نام «پذیرفتن» اواخر سال ۹۳ توسط نشر چشمه منتشر شد و این روزها گویا چاپ سومش هم به اتمام رسیده است. این کتاب اگرچه در زبان و شکل کلی آنچنان علی‌حده‌تر از کتاب‌های قبلی نبود و البته این طبیعی است که شاعر نباید آنچنان از خودش فراتر یا فروتر برود که اساسش به شک بیفتد، اما از نظر ریخت‌شناسی و جهان‌بینی به نظر شاعری دیگر و شعر دیگری آمد. شعری که شاعرتر است و شاعری است که انگار پا به سن گذاشته و باتجربه‌تر شده است و حداقل اقتصاد کلمات را خوب‌تر از قبل درک کرده است. این کتاب گروس عبدالملکیان از وجوه مختلفی قابل بحث و نظر است. شاید بتوان گفت دوره‌ای تازه در شعر گروس شروع شده که او را شاعری حساس‌تر به ذات شعر نشان می‌دهد تا هر چیز دیگری. گفت‌وگوی پیش رو پرداخت کوتاه است به این کتاب و گپ کوتاه با شاعر آن.

!!!

پذیرفتن» فرم‌های دراماتیک کاملا محسوسی دارد و این محسوس بودن بیشتر از آن جهت است که فرم و ساخت آنها با کتاب‌های قبلی متفاوت است و شاید همین باعث شده این کتاب حداقل برای من چیزی علی‌حده‌تر از کتاب‌های دیگر شما باشد.

تاثیر هنرها بر یکدیگر غیرقابل انکار است. اگر به تاریخ نظریات ادبی و هنری نیز نگاه بیندازیم، این مقوله به روشنی مشهود است. گاه شعر به نظریاتی رسیده است که هنرهای دیگر از آن استفاده کرده‌اند و در مواقعی نیز شاهد تاثیر تحولات سایر هنرها بر شعر بوده‌ایم. به هر حال هنرها همچون آدم‌های متفاوتی هستند که هریک با توجه به تاریخ زندگی‌شان تجربیاتی دارند که اگر با هم ارتباط داشته باشند، می‌توانند این تجربیات را در اختیار یکدیگر قرار دهند. حالا برخی از این تجربیات با توجه به ظرفیت‌های این هنرها به درد دیگری می‌خورد و برخی هم نه. درست همان‌طور که گفتم مثل انسان‌ها که بعضی از تجربیات‌شان ممکن است به درد زندگی دیگری بخورد و برخی هم ممکن است به کار کسی دیگر نیاید. مثلا شعر کلاسیک در حوزه تخیلش بیشتر از صناعاتی ادبی چون تشبیه و استعاره و تشخیص استفاده کرده است. اما نمایش یا سینما ظرفیت‌هایی در عرصه فضاسازی دارد که بعدها شعر در فضایی نو بهره‌هایی جدی از آنها برده است. به‌خصوص شعر مدرن که فرم درونی و ساختار عمودی در ساختمان آن جایگاه ویژه پیدا می‌کند. همان‌طور که می‌دانیم شعر کلاسیک، فارغ از آثار روایی‌اش غالبا ساختار افقی دارد بنابراین کمتر می‌تواند فضاسازی کند. اما در شعر نو که فرم درونی و ساختار عمودی در آن شکل می‌گیرد، فرصت فضاسازی برای شاعر به شکل گسترده‌تری پدید می‌آید و بنابراین همین‌جاست که شاعر می‌تواند از فضاسازی‌های سینمایی و نمایشی بهره ببرد. حالا من سعی کرده‌ام از داستان و نمایشنامه، وجوه دراماتیک و نمایشی یا تمهیداتی دیگر چون فاصله‌گذاری را بگیرم، از سینما فضاسازی‌هایی در جنس سینمایی را یا از نقاشی در ساخت تخیلاتی عینی‌تر و ملموس‌تر استفاده کنم. البته در همین شکل‌ها هم مباحث تکنیکی متنوعی چون بازنمایی، بازآفرینی یا بسیاری چیزهای دیگر شکل می‌گیرد. حرف اصلی‌ام این است که یقینا برای یک شاعر جدی آشنایی و ارتباط با سایر هنرها موثر و ضروری است.

شما وقتی می‌گویید شاعر؛ دلم می‌خواهد بپرسم شاعر چه کاره است؟

این پرسش دغدغه بسیاری از شاعران ایران و جهان است. متاسفانه جهان امروز ما، غالبا سطحی‌نگر و ساده‌اندیش است. یعنی برخی چیزها را که باید ببیند نمی‌بیند، شاید هم ترجیح می‌دهد خودش را به ندیدن بزند. شاعر نیز مثل بسیاری از صاحبان مشاغل دیگر، کالا تولید می‌کند. اما چون این کالا معنوی است، متاسفانه دیده نمی‌شود. یعنی این کالا مورد استفاده قرار می‌گیرد اما پولی در ازای آن پرداخت نمی‌شود. شاید باید یک روز شعر را از تمام جهان گرفت تا مردم جهان لمس کنند که بدون شعر، جهان خشک شده و زندگی ناممکن است. البته وقتی می‌گویم شعر، منظورم شعر در همه شکل‌هایش است. یعنی شعر و جنس شاعرانه را از موسیقی، سینما، تبلیغات، تلویزیون، رادیو، فضاهای مجازی و... حذف کنید، آنگاه ببینید چه می‌شود. در چنین موقعیتی است که واقعا می‌شود به ارزش این کالا پی برد. انسان همواره در فقدان چیزهاست که ارزش چیزها را می‌فهمد. حالا همین رفتار جهان امروز که درباره‌اش صحبت کردیم سبب شده است که یک شاعر از صبح تا غروب به کاری دیگر مشغول باشد تا امرار معاش کند و پس از آن به خانه بازگردد و ساعت‌ها به تولید کالای شعر بپردازد. کالایی که جهان آن را مصرف کرده اما در قبالش هزینه‌ای پرداخت نمی‌کند. همین وضعیت شرایط زندگی شاعران را پیچیده و سخت کرده است. یعنی دو شغل دارند اما یک حقوق می‌گیرند. براساس همین ذهنیات بود که من چندین سال تلاش کردم شغلی داشته باشم که آن نیز با ادبیات بی‌ارتباط نباشد. یعنی از طریق چندین کارگاه ادبی و همچنین دبیری بخش شعر نشر چشمه روزگار می‌گذرانم.

در «پذیرفتن» شما یک عدول نامحسوس، حداقل در جهان‌بینی دارید. دیگر حکم صادر نمی‌کنید و شاعرانه حرف می‌زنید تا صرفا زیبا و دلبرانه.

من طرف گفت‌وگو با شما هستم پس می‌توانم بگویم در این کتاب شما شاعر طبیعی‌تری شده‌اید؛ حداقل برای من...

گفتید طبیعی، می‌خواهم از خود طبیعت و ذات طبیعت استفاده کنم و جواب شما را بدهم. در شعر من طبیعت وجود دارد اما به شکل فقدان طبیعت. یعنی وجود دارد اما در واقع نبودنش وجود دارد. این مساله هم کاملا طبیعی است چراکه در شعر و به شکل خاص در شعر نو این بحث مطرح است که هرکس باید خودش را بنویسد. یعنی خودش کاملا خدای شعرش باشد، پنجره خودش را بیابد و مهم‌تر آنکه از آن پنجره به اشیا و عناصر و مولفه‌های شعرش تا جایی که می‌تواند نزدیک شود. حضور ملموس عناصر تصویری اهمیت دارد. بنابراین نوشتن مولف براساس زیست شخصی اهمیت پیدا می‌کند. چون قرار است به مضمون‌ها و تک‌تک عناصر تصویری‌اش نزدیک باشد، باید آنها را پیش از آن تجربه و لمس کرده باشد. اما طبیعی است که اینجا صرفا از تجربه مستقیم صحبت نمی‌کنم، چون تجربه‌های مستقیم در زندگی شاعر محدود است و این نکته مهم است که شاعر بتواند از تجربه‌های غیرمستقیم نیز استفاده کند. یعنی با دیدن یک فیلم، خواندن یک داستان یا نمایشنامه به شخصیت‌های آنها نزدیک شود، با آنها همذات‌پنداری کند، خود را در موقعیت آنها قرار دهد و تجربه‌های آنها را به تجربه‌هایی شبه‌مستقیم برای خود دربیاورد. به‌عنوان مثال زندگی پدر به‌خصوص در دوره کودکی و جوانی با طبیعت درآمیخته بوده و طبیعی است که عناصر طبیعت در شعرش حضوری پررنگ داشته باشند. اما زندگی من کاملا شهری است و طبیعی است که عناصر شهری در شعرم پررنگ‌تر باشد و این چیزی است که در طبیعت شعر من باید طبیعی به نظر برسد. اما به هر حال ریشه‌های طبیعت در همه ما حضور دارد و اگر خودش هم حاضر نباشد، فقدان آن در ما حاضر است. اما به هر حال فارغ از حضور طبیعت یا فقدان آن، لازم است برای برگزاری اجرایی طبیعی از آن، به عناصر، مولفه‌ها و جزئیات آن نزدیک شویم و آن گره عاطفی را با تصاویری ملموس به تصویر بکشانیم. «نشوی» عکاس معروف جنگ در جایی گفته بود اگر عکسی خوب از آب درنیامده شاید به این دلیل باشد که به اندازه کافی به سوژه خود نزدیک نشده است. این نزدیک شدن به عناصر بسیار مهم است. پس به طبیعت می‌روم تا هم به آن نزدیک شوم و هم لمس کنم که چقدر از آن دورم.

> شعر کلاسیک، فارغ از آثار روایی‌اش غالبا ساختار افقی دارد. بنابراین کمتر می‌تواند فضاسازی کند. اما در شعر نو که فرم درونی و ساختار عمودی در آن شکل می‌گیرد، فرصت فضاسازی برای شاعر به شکل گسترده‌تری پدید می‌آید و بنابراین همین‌جاست که شاعر می‌تواند از فضاسازی‌های سینمایی و نمایشی بهره ببرد

چرا «پذیرفتن»؟

پیشانی صفحه نخست این کتاب نوشته‌ام: انسان دو بار به نادانی می‌رسد، یک‌بار پیش از دانایی و یک‌بار پس از آن و تنها تفاوت این دو در «پذیرفتن» است. به همین دلیل «پذیرفتن».

خبرچین

دیوید لینچ به سریالش برگشت

«توین پیکس» کارش را شروع کرد

گروه ادب و هنر | مثل اینکه شبکه شوتایم بالاخره توانسته دیوید لینچ را متقاعد کند تا روی صندلی کارگردانی سریالی بنشیند که سال‌ها خودش آن را کارگردانی کرده است.

دیوید لینچ مشکلات مالی‌اش را با این شبکه حل کرده و به طرفدارانش در توییتر نوشته: «دوستان توییتری عزیز، شایعه‌ها آنطور که به نظر می‌رسند، نیستند. دوباره دارد اتفاق می‌افتد. توین پیکس به شوتایم بازمی‌گردد.»

لینچ قبلا اعلام کرده بود که قرارداد بسته اما پول خوبی به او نمی‌دهند و بعد هم شایعه انصرافش از کارگردانی این سریال ۹ اپیزودی شنیده شد. اما با این خبر است که معلوم می‌شود لینچ و شبکه و طرفداران او راضی هستند. رئیس این شبکه هم بیانیه‌ای صادر کرده و در آن نوشته: «این لیوان قهوه خوب محصول مارک و دیوید از همیشه خوشمزه‌تر به نظر می‌رسد. کاملا ارزش زمان آماده‌شدنش را داشت و حتی از آنی که تصورش را می‌کردیم هم بزرگ‌تر شد.

دیوید مسئولیت کارگردانی کل سریال را برعهده خواهد داشت که از ۹ ساعت اولیه که پیش‌بینی کرده بودیم، فراتر خواهد رفت. مراحل اولیه تهیه از همین الان آغاز می‌شود.» سریال «توین پیکس» اولین‌بار در سال ۱۹۹۰ در شبکه ای‌بی‌سی شروع به پخش کرد و یکی از سریال‌های پرطرفدار دهه ۹۰ در آمریکا بود.

کافه سینما

پرندگان

گروه ادب و هنر | علاقه‌مندان به فیلم‌های ترسناک می‌توانند فیلم «پرندگان» به کارگردانی آلفرد هیچکاک کارگردان بنام بریتانیایی را فردا در سالن ناصری خانه هنرمندان تماشا کنند. پرندگان نخستین فیلم با مضمون حمله حیوانات به انسان‌ها است که هیچکاک آن را براساس رمان مشهور «داستان پرندگان» اثر دافنه موریه ساخته است.

این فیلم موسیقی متن ندارد و کاملا با دستگاه‌های الکترونیکی صدای جیغ پرندگان را می‌شنویم و حرکت تهاجمی و خشن و سیاه و حمله پرندگان را می‌بینیم. البته کارگردانی در فیلم‌های هیچکاک چیزی نیست جز بازی با عواطف، احساسات، علایق و پیش‌بینی‌های خودش. هیچکاک واکنش‌ها را نه در فیلم‌هایش بلکه در درون تماشاچی فیلم‌هایش به‌وجود می‌آورد. او در این فیلم به طرز خیلی ترسناکی حمله وحشیانه پرندگان را به شهری در کالیفرنیا نشان می‌دهد. پرندگان جایزه اسکاون برای بهترین جلوه‌های ویژه و جایزه گلدن‌گلوپ بهترین بازیگری را در سال ۱۹۶۴ به دست آورد.

چهره

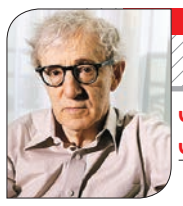

سینما

وودی آلن

گروه ادب و هنر | آلن که با فیلم «مرد بی‌منطق» در بخش مسابقه شصت‌وهشتمین جشنواره فیلم کن حضور دارد به صراحت اعلام کرد که «تمام تلاش خود را برای ساخت سریال تلویزیونی برای آمازون خواهم کرد اما نباید ساخت این سریال را به عهده می‌گرفتم، فکر می‌کردم ساخت شش قسمت ۳۰ دقیقه‌ای کار آسانی است اما این‌طور نیست و بسیار سخت است. در این کار خوب نیستم و دارم دست و پا می‌زنم امیدوارم آمازون را مایوس نکنم. ایده‌ای هم درباره آن ندارم و مطمئن نیستم کار را از کجا آغاز کنم.» این فیلم اولین ساخته تلویزیونی وودی آلن محسوب می‌شود که قرار است سال آینده در آمریکا، آلمان و انگلیس پخش شود.

کافه موسیقی

مرگ سلطان بلوز

گروه ادب و هنر | بی‌بی کینگ که با گیتارش مشهور شده بود در ۸۹ سالگی در لاس‌وگاس درگذشت. او ۷۰ سال گیتار زد و تاثیر زیادی روی موسیقی و هنرمندان دنیا گذاشت. بی‌بی کینگ که زمانی به‌عنوان یکی از سه گیتاریست بزرگ جهان شناخته می‌شد، در سال ۲۰۰۹ پانزدهمین جایزه گرمی خود را به‌خاطر آلبوم «وان کایند فیور» دریافت کرد. صدا و گیتارنوازیَاش خیلی زود دل همه را برد و مشهور شد و به یک هنرمند جهانی تبدیل شد. او ۵۰ آلبوم موسیقی ضبط کرده و مجله رولینگ‌استون اسم او را در رده سوم فهرست ۱۰۰ گیتاریست جهان قرار داده است. کینگ سلطان موسیقی بلوز بود.